در گفت‌وگوی مستندساز همدانی با سپهرغرب مطرح شد:

رسانه قدرتمندترین ابزار در بیان مطالبات مردمی است

سپهرغرب، گروه فرهنگی - سمیرا گمار: سیاست‌گذاری غلط مسؤولان و نداشتن دغدغه منجر به ضعف تولیدات هنری می‌شود

مسئله‌ای که بیشتر هنرمندان با آن مواجه هستند عدم تخصص و دغدغه کافی مسؤولان ذی‌ربط و سیاست‌گذاری‌های غلط در این حوزه است که منجر به عدم‌حمایت از هنر رسانه در بیان موضوعات مختلف می‌شود؛ درحالی‌که هنر یک ابزار تبلیغاتی برای آرمان‌ها و دغدغه‌ها است و مناسب‌ترین فضا برای پیشبرد اهداف در این راستا به شمار می‌رود.

هنر نوعی شناخت است که انسان به‌واسطه آن درباره خود و جهان پیرامون خویش به آگاهی‌های درونی دست می‌یابد؛ این شناخت و معرفت به صورت‌های گوناگون در وجدان هنرمند منعکس‌شده و در آثار هنری وی تجلی می‌یابد.

اثر هنری از منظری محضر نمایش آزمون‌وخطا در فرآیند زندگی است که در اثر هنری تصدیق «هویت» می‌یابد و هویت یک امر به‌واقع طبیعی، تاریخی و اجتماعی و در تلازم حرکت و تحول بازیافته شدن است که هنر به آن ثبات فعلیت و پایایی می‌دهد.

هنر گونه‌های متعددی دارد که یکی از اقسام آن مستندسازی است؛ تهیه مجموعه‌ای از اسناد و مدارک که سیر تکوین و تکامل یک فعالیت و پروژه را از آغاز تا پایان همراه با تحلیل و ارزش‌یابی نشان می‌دهد را مستندسازی می‌گویند و خود مستندسازی هم اقسامی دارد که هنرمند با توجه به دغدغه خود یک گروه را برمی‌گزیند.

شهید سید مرتضی آوینی می‌گوید؛ هنرمند در میان سایر انسان‌ها همچون بلبل است در میان پرندگان و وجه امتیاز او نیز در شیدایی است و در بیان خویش مراد از شیدایی را «شیدایی حق» می‌داند. باید گفت در این عصر نیز هستند جوانانی که با دغدغه خود در پی انجام رسالت خویش در قالب هنر و عرضه آن به مخاطب هستند و با فیلم مستند، تاریخ و فرهنگ را ثبت می‌کنند؛ به این معنی که هر آنچه در مستند ثبت می‌شود، در تاریخ ثبت خواهد شد.

از سویی «مستند» خود اتفاقات روز جامعه را نیز به تصویر می‌کشد، همان‌گونه که این اتفاقات در سایر اقسام هنر نیز ثبت می‌شود، با این تفاوت که فیلم مستند برخلاف ادبیات، متعلق به همه افراد اجتماع است. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که از منظر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، موضوع‌های بسیاری برای مستندسازی وجود دارد؛ بنابراین با داشتن این امکانات بالقوه، ضرورت توجه هر چه بیشتر به جایگاه سینمای مستند و مستندسازی احساس می‌شود. آنچه می‌خوانید حاصل گفت‌وگو با یک هنرمند مستندساز همدانی است که در ادامه می‌آید:

■ به‌عنوان نخستین سؤال خودتان را به‌طور کامل معرفی کنید؟

علی آقامحمدی، متولد سال ۱۳۵۶ و کارشناس ارشد فلسفه هستم.

■ علت و انگیزه گرایش خود را به هنر بیان کنید؟

هر شخصی در یک دوره از زندگی به سینما علاقه پیدا می‌کند و اگر شرایط و امکانات مناسب و استعداد در کنار این علاقه قرار گیرد توانمندی‌ها از بالقوه به بالفعل تبدیل می‌شود، مقوله سینما و هنر از ابتدا در من این‌گونه بود. انگیزه‌ای که باعث ورود بنده به این حوزه شد دغدغه فرهنگی بود تا پیوندی با فضای دینی و انقلابی داشته باشم و هنر را بهترین قالب برای این کار می‌دانستم لذا با گذراندن دوره‌های حوزه هنری و سینمای جوان در این رشته تخصص لازم را کسب کردم، درواقع علاوه بر تخصص تعهد نیز لازمه این کار است تا هنرمند در مسیر حرکت کند و بنده برای ورود به این عرصه این رویکرد را نیز حائز اهمیت می‌دانستم.

■ چرا فضای مستندسازی را برای ظهور و بروز دغدغه‌های خود انتخاب کردید؟

این هنر یک ابزار تبلیغاتی برای آرمان‌ها و دغدغه‌ها و مناسب‌ترین فضا برای پیشبرد اهداف در این‌سو به شمار می‌رود، چراکه دغدغه با زبان هنر مطرح می‌شود. سال ۸۵ نقطه آغاز این کار برای من بود، هدفم را انتخاب کردم و با نمایش یک کار داستانی بازخورد و اثرات آن را از اساتید این حوزه از هنر و مردمی که اثر را دیده بودند گرفتم و این نظرات مثبت، حس گرایش و پایبندی مرا در این حوزه تقویت کرد، سپس به حوزه مستندسازی گرایش پیدا کردم، زیرا این قسمت فضای بیشتری برای فعالیت دارد ضمن این‌که داشتن مخاطب خاص و حضور در جشنواره‌ها کمکی است برای دیدن این آثار؛ بنابراین کارم را در این حوزه ادامه دادم.

■ نخستین اثر شما در حوزه مستند چه نام داشت و حول محور چه موضوعی بود؟

«دیدار شبانه» در حوزه دفاع مقدس نخستین اثر بنده بود که خوشبختانه با اقبال خوبی مواجه شد و با این اثر توانستم در ۹ جشنواره مقام کسب کنم و همین اثر موقعیت خوبی ایجاد کرد که نخستین مستند با نام «انحراف از هدف» را در سال ۸۶ بسازم که این اثر دو بار نیز از شبکه استانی همدان پخش شد.

■ آثار بعدی شما با چه محورهایی ساخته شد؟

مستند «محراب سبز» دومین اثر من بود که بعد از ساخت این مستند بنا به دلایلی فعالیتم در عرصه مستندسازی متوقف شد تا سال ۹۳ که مجدداً کار ساخت مستند را از سر گرفتم؛ در این سال‌ها از فضای مستندسازی دور نبودم و با نوشتن فیلم‌نامه و تدوین آثار مختلف این ارتباط را با فضای رسانه حفظ کردم. ازجمله آثاری که نویسندگی آن را انجام دادم فیلم‌نامه داستانی «جوجه پنبه‌ای» بود که در ۳ جشنواره نیز حائز کسب مقام شد، فیلم‌نامه داستانی «روح‌الله» که نویسندگی آن نیز با خودم بود هم در دو جشنواره برگزیده شد.

■ در حال حاضر مشغول انجام چه کاری هستید؟

مستند «سید جواد» با محوریت شخصیت سید جواد حجازی و مراحلی نیز با ورود شهید محراب آیت‌الله مدنی به همدان با پیشرفت ۸۰ درصدی در حال تولید است. این مستند مبارزات سید جواد حجازی در سال‌های دفاع مقدس را تا شهادت فرزندان وی روایت خواهد کرد. مستند «باغ شهر» نیز با موضوع سبک زندگی ایرانی- اسلامی و احیای فرهنگ خانه‌نشینی در همدان نیز به مراحل پایانی رسیده و نیاز به یک تکمله مختصر دارد تا آماده شود. نوروز امسال نیز یک کار مناسبتی برای «شهدای کارمند» ساختم که با توجه به موضوعی که داشت در بین مخاطبان خود موردتوجه قرار گرفت.

■ آسیب‌ها و فرصت‌های این فضا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

باید گفت کار در سینما و این قالب هنری حرکت در لبه تیغ است و مخاطبان با سلایق و برداشت‌های متفاوت می‌توانند از مفهومی که سازنده اثر در پی بیان آن بوده برداشت‌های گوناگونی داشته باشند. گزافه نیست اگر بگوییم اثری که تولید شد مرگ مؤلف را رقم می‌زند و دیگر امکان این‌که مفاهیم و مقاصد به مخاطب منتقل شود وجود ندارد؛ بینش و نکته‌سنجی مخاطب فرهیخته می‌تواند با یک اثر جریان ساز شود. این را هم عرض کنم که در فضای مجازی و رسانه‌ای اگر حرکت بر مبنای نیت خوب و شناخت ذائقه مخاطب باشد بازتاب گسترده و مؤثری در جامعه خواهد داشت.

این موارد را می‌توان از آسیب‌ها و فرصت‌های موجود در این فضا قلمداد کرد بنابراین اگر هنرمند نتواند شناخت دقیقی از فضا داشته باشد هم خود و هم مخاطبش را دچار آسیب خواهد کرد. باید گفت رسانه قدرتمندترین ابزار در بیان مطالبات مردمی است، همان‌طور که شاهد بودیم در بحث حقوق نجومی با رسانه‌ای شدن این مسئله و آگاهی طیف وسیعی از مردم روند این موضوع در کشور تغییر کرد.

رسانه به‌صورت درست به برخی از مسؤولان معرفی نشده و در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، دینی، فرهنگی و غیره، مسؤولان باید به این نتیجه برسند که در دنیای فعلی این ابزار قدرتمند می‌تواند مؤثرترین اتفاقات را در کوتاه‌ترین زمان در جامعه به وجود آورد اما چون بر این موضوع باور قلبی وجود ندارد این هنر برای ورود به بسیاری از حوزه‌ها هنوز خلأ دارد.

*موانع و حمایت‌ها در این عرصه چگونه است؟

مسئله‌ای که بیشتر هنرمندان با آن مواجه هستند «عدم تخصص و دغدغه کافی مسؤولان ذی‌ربط» است به‌طوری‌که بسیاری از مسؤولان حتی با رویکرد انقلابی قبل از انقلاب اسلامی که به دلیل ابتذال موجود در عرصه سینما با این فضا کاملاً نامأنوس بوده و بعد از انقلاب نیز با حضور در جبهه، فرصت پرداختن به این موضوع را نداشتند و ارتباطشان در حد رصد اخبار با این بخش حفظ شد و همین امر منجر به این شده که با عدم شناخت از قالب‌های هنری نهایت تلاش آن‌ها در بسیاری از موارد به برگزاری کنگره و همایش ختم شود و نتوانند و نخواهند با خلق یک اثر هنری که تأثیرش به‌مراتب بیشتر از این امور است در راستای اهداف انقلاب گام بردارند. «سیاست‌گذاری‌های غلط» نیز یکی از موانع بزرگ در این راه است، گاهی با صرف فرصت‌های طولانی‌مدت یا حتی هزینه‌های بسیار یک کار، اثرگذاری مطلوبی ندارد درحالی‌که اگر همان انرژی و هزینه در قالب هنر برای بیان نارسایی‌ها، ضعف‌ها و مطالبات مردمی مطرح شود اثر پایدارتری خواهد داشت چراکه دیده‌شده اگر هنرمند مطالبه مردم را به تصویر بکشد مسؤولان وادار به حرکت و پاسخگویی می‌شوند تا اینکه برای حل فلان مشکل از مردم بخواهیم یک همایش برگزار شود!

■ آیا از میان کارهای شما اثری به جشنواره عمار راه پیدا کرده‌است؟

بله؛ در حوزه امربه‌معروف و نهی از منکر مستند «یک ارتباط سبز» به جشنواره عمار راه پیدا کرد و حائز مقام دوم شد. مستند «آفتابگردان» نیز در زمره آثار ارسالی به این جشنواره بود.

■ به‌عنوان یک هنرمند چه توصیه‌ای برای ورود افراد متعهد به فضای مستندسازی دارید؟

این توانمندی و گرایش به هنر در ذات بسیاری از افراد وجود دارد اما متأسفانه از سنین پایین تلاشی برای کشف آن صورت نمی‌گیرد، بنابراین نخستین توصیه و درخواست بنده از مسؤولان نهادهای مختلف مرتبط با این موضوع است که شرایطی را ایجاد کنند تا در کنار استعدادهای مختلفی که از دانش‌آموزان ارزیابی می‌شود عنایت به این مقوله هم موردتوجه باشد، افرادی که به این هنر نیز علاقه دارند با گذراندن دوره‌های مختلف و استفاده از حضور اساتید این فن و البته با دیدن آثار سینمایی و هنری، توانمندی خود را در این رشته به بلوغ برسانند تا فضای کار برای آن‌ها محقق شود.

■ با توجه به‌صرف هزینه در این فضا درآمدزایی و حمایت مالی از شما چگونه است؟

به‌طورکلی باید گفت هنر هزینه‌بر است و درآمدزایی ندارد مگر اینکه مستندی قابل‌ارائه در شبکه‌های سیما باشد؛ اگر مسؤولان قدرت تأثیر این عرصه را بدانند و امکانات و حمایت‌های لازم را در این زمینه از هنرمندان داشته باشند باعث می‌شود جایگاه هنرمندان در این بعد تقویت‌شده و کار فاخر و اثرگذار در مورد مسائل و مشکلات مختلف نیز با زبان هنر ارائه گردد.

شاید حمایت مسؤولان درآمد چندانی را برای هنرمند به ارمغان نیاورد، اما باعث می‌شود کسی که در این فضا دارای دغدغه و علاقه است حداقل از جیب خودش برای این کار خرج نکند و بتواند با یک سرمایه‌گذاری از جانب افراد توانمند، آثار ارزشمندی را خلق کند و این مهم محقق نمی‌شود مگر اینکه مسؤولان در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و غیره، با این حوزه و اثرات آن در دنیای فعلی بر جوامع آشنا شوند.

سیروس مقدم:

«پایتخت ۵» شوکه‌تان می‌کند

سقوط یک خانواده وسط داعشی‌ها

سپهرغرب، گروه فرهنگی: سیروس مقدم گفت: در سریال «پایتخت ۵» اتفاقاتی عجیب و تخیلی رخ می‌دهد و گویی یک خانواده از فضایی ساده به مریخ پرتاب‌شده و همه این‌ها عجیب و شوک‌آور است.

جمعی از عوامل سریال «پایتخت» ازجمله سیروس مقدم کارگردان، الهام غفوری تهیه‌کننده و احمد مهرانفر و سارا و نیکا فرقانی بازیگران سریال، شب گذشته دوم آبان به تماشای نمایش «کروکی» به کارگردانی مجتبی احمدی نشستند.

مقدم پس از تماشای تئاتر درباره این فصل از سریال «پایتخت» و جذابیت‌های آن، بیان کرد: اتفاقی که در دنیا افتاده و کارهای نمایشی را جذاب کرده این است که خالقان آثار هر آنچه را که تخیل می‌کنند در آثارشان به تصویر می‌کشند. آن‌ها خود را به بضاعت‌های موجود محدود نمی‌کنند و به همین دلیل ممکن است آثارشان در جایی به فانتزی یا ماورا نزدیک شود.

وی ادامه داد: ما هم در سریال «پایتخت ۵» هر آنچه را که فکر می‌کردیم ممکن است به شکل ناخواسته برای یک خانواده از یک فضای ساده به فضای غیرقابل‌باور تبدیل شود، انجام دادیم. ما تلاش کردیم این خانواده را به یک فضای مریخی پرت کنیم، خانواده‌ای که شاید در تمام عمرش پایش را از علی‌آباد بیرون نگذاشته و دورترین جایی که رفته تهران بوده ناگهان از بالنی در آسمان سر در می‌آورد و اتفاقاتی برایش رخ می‌دهد که به‌عنوان مخاطب ممکن است بگویید مگر می‌شود! اما همه این‌ها رئال است و منطق روایی خود را دارد.

» تراژدی در کنار کمدی قرار گرفته‌است

کارگردان سریال «پایتخت» با اشاره به اتفاقات مختلفی که در این فصل از سریال رخ می‌دهد، اظهار کرد: در این مجموعه، تراژدی در کنار کمدی قرار گرفته‌است و اتفاقاتی دارد که با خود فکر می‌کنیم برای فصل بعدی دیگر چه کاری می‌توان انجام داد.

وی در پاسخ به اینکه به فصل بعدی این سریال هم فکر می‌کند یا خیر؟ یادآور شد: تا وقتی مردم دوست داشته و پیگیر باشند ما هم وظیفه‌داریم که «پایتخت» را بسازیم.

مقدم درباره اینکه سریال، اکنون در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ توضیح داد: بخشی از این فضای تخیلی و غیرقابل‌باور که گفته شد از طریق ویژوال افکت و دیگر تکنیک‌های فنی در حال ساخت و اتفاقاً بخش سخت و نفس‌گیری است که باید از جنس خود سریال «پایتخت» رئال باشد و از قصه بیرون نزند.

» سقوط ۱۳ نفر در یک اقیانوس با بالن

وی اضافه کرد: ما اتفاقاتی را در این سریال داشتیم که جز از طریق فن ویژوال افکت امکان‌پذیر نبود. به‌طور مثال وقتی می‌خواهید یک بالن را با ۱۳ نفر در یک اقیانوس بیندازید، مجبورید برای حوادث پس‌ازآن سراغ این فن بروید.

مقدم درباره پرماجرا بودن این فصل از «پایتخت» یادآور شد: این فصل از سریال پرماجراست و درعین‌حال پر از حوادث و فضاهای خیلی عجیب و جدید است که خود من هم تابه‌حال تجربه نکرده بودم.

وی در پایان درباره نحوه به تصویر کشیدن داعش در این سریال، عنوان کرد: مسئله این است که خانواده «پایتخت» برای کار دیگری وارد یک کشور می‌شوند و بنا بر حادثه‌ای در نقطه‌ای سقوط می‌کنند که حتی نمی‌دانند کجاست؟ سوریه است؟ عراق است؟ مکان برایشان مشخص نیست و زمانی که چشمشان را باز می‌کنند در موقعیتی قرار می‌گیرند که شوکه می‌شوند.

چراغی را که ایزد برفروزد

عباس سریشی

مراسم مذهبی و دینی و به‌ویژه عاشورا و اربعین از آن دست مقولاتی است که بیشتر از آنکه یک ساختار آیینی داشته باشد ریشه در احساسات و علایق قلبی آزادگان، مسلمین جهان تشیع و در نگاه اخص ملت ما دارد. گاه شدت، حدّت و تموج این احساسات به‌گونه‌ای است که انسان را متحیر می‌کند و در مواردی به چنان درجه‌ای از ایثار و نثار می‌رسد که افراد حتی از اهدای جان خویش هم در این راه ابایی ندارند.

حقیقت این است که عاشورا و محرم به نحوی با زندگی ما ایرانیان ممزوج شده که هیچ‌گاه نمی‌توان ذره‌ای از آن را کم و یا به حاشیه راند. آتش عشق به حسین (ع) نه‌تنها منبع گرمی‌بخش زندگی امید ماست بلکه می‌توان در افق شاهراه آن به رستگاری و فلاح اندیشید و بی‌شک هر آنکه در این بزمگاه احساس، شور و شیدایی دستی بر آتش داشته و یا به دمی و قدمی آن را تأیید و یاری نموده شایسته تکریم و تعزیز است.

و اما در آستانه اربعین حسینی و با توجه به عبور صدها هزار زائری که همدان را به‌عنوان مسیری برای رسیدن به کوی دوست انتخاب کرده‌اند، تمامی ظرفیت‌های مردمی نیز با حداکثر توان دست‌به‌کار شده‌اند تا ضمن ایجاد بسترهای خدماتی و رفاهی نقشی هرچند کوچک را در این میان ایفا کنند.

تلاشی که دست‌مایه اصلی آن چیزی جز عشق به حسین (ع) و زائران آن حضرت نیست. بی‌شک وجود چنین انگیزه‌ها و اعتقادات محکمی است که باعث می‌شود بسیاری از دلباختگان اهل‌بیت (ع) با بذل مال و زندگی خویش در خدمت‌رسانی به ره پویان حریم عشق تلاش و کوشش قابل‌توجهی را به منصه ظهور رسانند.

و البته به‌رغم آنکه ماهیت اجرایی و مدیریتی این حرکت و پویش کاملاً مردمی بوده و ساختارهای این موکب‌ها، ایستگاه‌ها و سرمایه‌های مصروف در آن نیز تماماً از نذورات دوستداران اهل‌بیت (ع) تأمین می‌گردد بنابراین بی‌شک حضور برخی از اداره‌ها، نهادها و ارگان‌های دولتی و متخصص و کارآمد در مباحث امنیتی، ترافیک، بهداشت و درمان و غیره در این روند نه‌تنها لازم بلکه بسیار ضروری است چراکه بسیاری از موکب‌های موجود صرفاً به دلیل حضور مردم عادی توانایی ارائه خدمات ویژه در این زمینه‌ها را نداشته و حتی گاهی ضرورت هم ایجاب می‌کند تا با ارتباط‌گیری مؤثر مردم و مدیران، نهادهای مربوطه نسبت به ارائه سالم و منطقی این خدمات از طریق اهل‌فن اقدامات لازم را معمول دارند.

با این تفاسیر تحقق این خواسته نیز نیازمند رسیدن به یک همدلی و هم‌زبانی خاص است چراکه گاهی وقتی شور و احساسات مردمی در برابر بایدونبایدهای سیستم اداری و یا لازم‌الاجرا در حوزه‌های تخصصی قرار می‌گیرد ناخواسته ممکن است موجبات ایجاد دلخوری، سوءتفاهم و حتی اصطکاک بین این دو را موجب شود که ناگزیر می‌طلبد همان‌گونه که باید متولیان موکب‌ها با اخلاص و مهربانی از کنار این پرتگاه‌های سوءتفاهمی بگذرند. شایسته است تا مدیران نیز با درک این شور خدمت‌رسانی، نسبت به هماهنگ‌سازی حداکثری خود با این حرکت اقدام کنند.

شاید مهم‌ترین نکته و صدالبته قابل تأمل‌ترین مسئله در این موضوع شیوه ارتباط‌گیری، نوع بیان موافقت و یا استدلال و منطق ممانعت و یا اصطلاحاً ادبیات گویشی در این مباحث و جلسات است که همیشه مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد؛ زیرا درحالی‌که بسیاری از مجریان موکب‌ها با زبان ساده و عامیانه خود طرح موضوع می‌کنند اما متأسفانه برخی از مدیران به لحاظ جایگاه و منزلت اجتماعی که برای خود و یا سازمان مطبوعه خویش قائلند، نسبت به تقاضاها و درخواست‌های عنوان‌شده با دیدگاهی بالا به پایین و آمرانه نگریسته و حتی بی‌توجه به موقعیت جلسه (که عمدتاً اهداف و رویکردهای تعاملی را دنبال می‌کند) تحت عنوان یا پوششی به نام صراحت لهجه و بیان و یا نص صریح قانون از در تحکم و امر و نهی به متولیان موکب‌ها درمی‌آیند؛ و بی‌توجه به فلسفه این جلسات و یا انگیزه‌ها و پشتوانه‌های فکری این حرکت، سخنانی را به زبان می‌رانند که در وهله نخست نه‌تنها شایسته آن جایگاه نیست بلکه به‌نوعی نشانی از تضاد و تقابل با این حرکت‌های مردمی را نیز در ذهن متبادر می‌کند.

موضوع اینجاست که اگرچه شاید برخی (و فقط برخی) از عملکردهای این ایستگاه‌ها صرفاً به دلیل محدودیت امکانات منطبق با استانداردها و تأمین‌کننده اهداف و خواسته‌های آن نهاد، سازمان و یا دستگاه نیست بااین‌حال این کمبودها نیز نمی‌تواند مجوزی باشد که یک فرد (حتی در مقام مسؤول یک دستگاه) بدون در نظر گرفتن احساسات و انگیزش‌های خالصانه و تلاش‌های شبانه‌روزی مجریان و یا شبکه حمایت و پشتوانه فکری این ایستگاه‌ها دم از تعطیلی و یا خاتمه بخشی به برخی از عملکردهای این افراد بزند.

جای تأسف است که برخی از این مدیران که به‌صراحت تمام و در جلسات از عدم توانایی خود برای انجام مأموریت‌های محوله سازمان خود سخن میرانند در حرکات و سخنانی تأمل‌برانگیز سرنیزه فرافکنی و انحراف افکار را آن‌چنان بر پیکره فعالیت‌های مردمی فرومی‌برند که ممکن است در اذهان عمومی تصور و تفسیری از عناد، مخالفت و تقابل با دین را در برداشته باشد.

جای شکی نیست که بیان عبارت شفاف، صریح و صدالبته سخیفی مانند (اگر نمی‌توانید تعطیلش کنید) از سوی مدیر دستگاهی که هیئت مذهبی برای کمک به وی و دستگاه تحت امرش آستین یاری بالا زده قطعاً نه‌تنها شایسته یک پویش دینی نیست بلکه می‌تواند نشانه واضحی از زاویه گیری با حرکتی باشد که یک تاریخ چند صدساله و یک ملت در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

قطعاً نه جریان خدمت‌رسانی به زائران اربعین وابسته به این افراد بوده و نه آن‌ها در مقام و جایگاهی هستند که بتوانند برای ادامه کار و یا تعطیلی موکب‌ها و خدماتی که در آن ارائه می‌شود اظهارنظر کنند. لذا شاید لازم باشد تا در جهت تنویر افکار این طیف افراد که همیشه عَلَم بدبینی و ساز ناسازگاری را برای حرکت‌های مردمی کوک می‌کنند یادآور شد که نه‌تنها پویش اربعین (به‌طور خاص) بلکه تمامیت داشته‌های اعتقادی و ایمانی یک ملت به مصداق چراغی است که ایزد برافروخته پس هر کس خواسته و ناخواسته برای خاموشی آن فوت کند لاجرم نه‌تنها ریش بلکه ریشه‌اش نیز خواهد سوخت.

متأسفانه روزگاری شده که معدودی از این افراد به‌ظاهر متخصص و به باطن بی تعهد توانسته‌اند تا در مصادر اجرایی و حلقه همفکران و شبکه‌ای از حمایت‌های صنفی صرفاً با اتکای صرف بر شعار ارجحیت تخصص منهای تعهد نه‌تنها از زیر بار همکاری و همیاری با مردم شانه خالی کنند بلکه گاه با چوب لای چرخ نهادن‌های لفظی و قدمی نیز به این عناد پنهان مهر تائید بزنند.

جای تأسف است که این‌گونه افراد به‌رغم داعیه علم، مدرک و منصب هنوز فرق منطق بیان صریح و شفاف و حتی مخالفت معقول را با هتاکی و زیر سؤال بردن تلاش‌های یک ملت نمی‌دانند و بیشتر ازآنچه به دنبال توجیه اخلاق محور کمبودها و یا ابراز همدردی با متقاضیان با رفتاری زیرمجموعه گونه و حتی ارباب‌رعیتی به دنبال یافتن راه فراری برای خود هستند.

به‌هرحال به خواست خدا و با همت مردم این پویش آتی نیز به‌مانند سال‌های گذشته در عالی‌ترین شکل خود نه‌تنها به سرانجام خواهید رسید بلکه با دستاوردهای شگرف خود خط بطلانی خواهد کشید بر طومار افکار سرد و مأیوس کسانی که به‌صرف سستی در اراده و پای لنگان در طی طریق مقصود نه‌تنها توانایی هم آوردی با دیگر شیفتگان خدمت را ندارند بلکه با برخی عملکردهای خود موجبات دل‌آزردگی اهل معنا را نیز موجب شده‌اند.

قدر مسلم هیچ‌گاه و هیچ‌کس نخواهد توانست و نباید که با الزامات و بایستگی‌های مباحث تخصصی در موضوعات خدمت‌رسانی به زائران تضادی داشته باشد اما قطعاً این نیز قابل‌قبول نخواهد بود که معدودی به‌صرف قدرت و یا جایگاهی که چندان نیز به ماندگاری فردای آن امید نیست و با استفاده از ابزاری شمشیر گونه از عبارت تخصص، خود را مجاز به بیان گفتار و اعمالی نمایند که هیچ وجاهت و پذیرفتنی را دارا نیست و چه شایسته گفت آن شاعر نغز پرداز حال این افراد را که:

چون تیغ به دست آری مردم نتوان کشت
نزدیک خدا نیست بدی‌ها فراموش